

Investigating the Importance of Bread Issue in Political and Social Changes of Isfahan City during the First Pahlavi Era (1304-1320 A.H)

Seyed-Masoud Seyed-Bonakdar *

History department, University of Isfahan, Iran, masoudbonakdar@yahoo.com

Shahzad Mohammadi aeen

MA. Student of Islamic history of Iran, University of Isfahan, Iran, shahzadmohammadiaeen@yahoo.com

Abstract

In recent centuries, bread shortage, has always been considered as one of the crisis of contemporary history. The famine of bread and groceries was the result of different geographical and political issues, lack of rainfall, traditional agricultural method and the outbreak of two world wars in Iran. The famine confronted people and governments with the crisis of bread shortage which was the staple food of people. This study is to answer the following questions: How was the situation of bread in Isfahan city during the first Pahlavi era? What measures had been taken to solve the problem? How successful were the government measures in this regard? According to the findings of the research, some measures were taken during the first Pahlavi era to solve the problem, including: direct state intervention in buying wheat from the farmers and selling it to the bakers; designing regulations to lower and stabilize the price of bread; considering the health issues of bakers and bakeries; issuing business licenses for the bakeries by the municipalities. It seems that the government, despite the efforts, had not been able to terminate the bread problem in Isfahan city because the outbreak of World War II and the events of Shahrivar 1320 A.H showed that the deep-rooted problem of bread in Isfahan still remained. The research method in this article was library method, by comparing and analyzing resources especially the main resources. In this study, the collected data were organized and analyzed for conclusion.

Keywords: Bread, Famine, Isfahan, the First Pahlavi, Municipality

* Corresponding author

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی- پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم
شماره دوم (پیاپی ۳۵)، پاییز ۱۳۹۶، صص ۷۹-۹۱
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۳/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵

بررسی اهمیت موضوع نان در تحولات سیاسی اجتماعی شهر اصفهان دوره پهلوی اول (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ شمسی/۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱ م)

سیدمسعود سیدبنکدار* - شهرزاد محمدی آیین**

چکیده

در سده‌های اخیر تاریخ ایران، کمبود نان همواره یکی از بحران‌های اصلی بوده است. قحطی نان و خواروبار از مسائل مختلف جغرافیایی و سیاسی، کاهش نزولات آسمانی، شیوه کشاورزی سنتی و بروز دو جنگ جهانی متأثر بود. با بروز قحطی، مردم و دولت‌های وقت با بحران کمبود نان مواجه می‌شدند. نانی که غذای اصلی مردم بود. این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل است: وضعیت نان شهر اصفهان در دوره پهلوی اول به چه صورت بود. چه اقداماتی برای رفع این مشکلات صورت گرفت؟ اقدامات دولت تا چه میزان در حل مشکل نان در اصفهان مؤثر بود. براساس یافته‌های به دست آمده در این پژوهش، در دوره پهلوی اول برای رسیدگی به وضعیت نان شهر اصفهان و رفع مشکلات آن اقداماتی صورت گرفت. بخشی از این اقدامات عبارت بود از: دخالت مستقیم دولت در خرید گندم از کشاورزان و فروش آن به نانوایان، تدوین نظام‌نامه‌هایی برای کاهش دادن و تثبیت کردن قیمت نان، نظارت بر عملکرد نانوایان از طرف بازرسان شهرداری اصفهان، رسیدگی به وضعیت بهداشت مغازه‌های نانوایی و سلامت نانوایان، صدور مجوز قانونی از طرف شهرداری برای فعالیت نانوایی‌ها. به نظر می‌رسد که در دوره پهلوی اول، دولت تلاش‌هایی انجام داد؛ اما به‌طور قطع مشکلات نان شهر اصفهان را خاتمه نداد؛ زیرا بروز جنگ جهانی دوم و وقایع شهریور ۱۳۲۰/۱۹۴۱ م، نشان داد که مشکلات ریشه‌دار مربوط به نان در شهر اصفهان همچنان پابرجاست. در این مقاله، روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و روزنامه‌ها و تطبیق و تحلیل منابع موجود، به‌خصوص منابع اصلی، است.

واژه‌های کلیدی: نان، قحطی، اصفهان، پهلوی اول، بلدیة

* استادیار تاریخ، دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسؤول) masoudbonakdar@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان، ایران، shahrzadmohammadiaeen@yahoo.com

مقدمه

در سده‌های اخیر تاریخ ایران کمبود نان همواره به‌گونه‌ای معنادار، بحران‌هایی را در پی آورده است. این وضعیت از موقعیت جغرافیایی و سیاسی ایران متأثر بود و مردم را گرفتار می‌کرد و معضلات فراوانی را موجب می‌شد. کمبود نان در شهرهای بزرگی همچون تهران، اصفهان، تبریز و خراسان از زمان ناصرالدین‌شاه شروع شد. علاوه بر مسائل جغرافیایی و خشکسالی‌هایی که هرچند سال یکبار در اثر کاهش نزولات جوی رخ می‌داد، سودجویی برخی دولتمردان که حاکمان بزرگ زمیندار محسوب می‌شدند در احتکار گندم و سوءاستفاده‌های برخی نانوایان و پخت نان بدون کیفیت به گسترش بحران نان یاری می‌رساند.

در زمانی که به‌علت جنگ‌های جهانی اوضاع کشور آشفته بود، با ناتوانی دولت‌ها در کنترل بحران کمی و کیفی ارزاق و نان، محتکران به بهانه فروش غلات به ارتش روسیه و انگلیس، گندم و خواروبار را در انبارها احتکار می‌کردند. این امر نایاب‌شدن و افزایش قیمت گندم و آرد را باعث می‌شد. پس از برکناری رضاشاه از حکومت، به‌طور تقریبی تا پایان جنگ جهانی دوم بحران نان موجب تشویش و ناراحتی مردم ایران بود.

در شهر اصفهان نیز مانند سایر شهرهای ایران در دوره قاجار، قحطی و کمبود نان از سال ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م و از زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه، هرچند سال یکبار دامنگیر مردم بود. این قحطی‌ها به‌ویژه بعد از نهضت مشروطه تا سال ۱۳۲۱ش/۱۹۴۲م، گسترش یافت. در دوره پهلوی اول نیز، حتی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی که صورت گرفت، در طولانی‌مدت به حل مشکل ارزاق عمومی و نان شهر اصفهان منجر نشد.

اوج این ناکامی در ۱۷ آذر ۱۳۲۱/۱۹۴۲م مشخص

شد. روند و نتایج سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت شامل این اقدامات بود: دخالت مستقیم دولت در خرید گندم از کشاورزان و فروش آن به نانوایان، نامرغوبی کیفیت نان با وجود قیمت کم آن، تدوین نظام‌نامه‌هایی برای کاهش قیمت نان، نظارت بر عملکرد نانوایان از طرف بازرسان شهرداری اصفهان، رسیدگی به وضعیت بهداشت مغازه‌های نانوايي و سلامت نانوایان از طریق چکاپ پزشکی و صدور مجوز قانونی از طرف شهرداری برای فعالیت نانوايي‌ها.

رسیدگی و توجه به بخش کشاورزی به‌طور تقریبی تا سال ۱۳۱۹ش/۱۹۴۰م، به تعویق افتاد. این توجه دیرنگام به بخش کشاورزی کشور، در کنار عوامل طبیعی مانند حمله آفات نباتی از جمله سن و ملخ به مزارع گندم و جو در اصفهان و سراسر ایران، استمرار مشکلات مربوط به کیفیت و کمیت نان را موجب شد. در فرهنگ غذایی مردم ایران و به‌ویژه برای طبقات کم‌درآمد، نان به‌عنوان غذای اصلی اهمیت بسیار دارد؛ پس کمبود شدید نان و خواروبار در مقاطع مختلف زمانی، افزایش قیمت نان، کیفیت پایین نان که نانوایان آرد گندم را با خاکاره و شن و مواد ناماکول ترکیب می‌کردند و ناتوانی دولت در کنترل این مسائل درگیری و زدو خورد مردم را با مسئولان باعث می‌شد.

این پژوهش به روش توصیف‌تحلیلی، براساس اسناد و روزنامه‌ها و منابع کتابخانه‌ای، به بررسی وضعیت نان در تحولات سیاسی و اجتماعی شهر اصفهان در دوره پهلوی اول می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

تاکنون مقاله مستقلی در باب وضعیت نان و کیفیت و کمیت آن در شهر اصفهان در دوره پهلوی اول و تأثیر آن بر تحولات سیاسی و اجتماعی شهر اصفهان

همه بر اثر گرانی زیاد و گرسنگی و قحطی و از همه بدتر وبا خراب است. همه جا صحبت از گرانی فوق العاده نان و سایر اقلام خواروبار و مایحتاج عمومی است. این گرانی مصنوعی به نظر می‌رسد و عامل آن هم عده‌ای از ثروتمندان و تجار هستند که گندم و خواروبار را احتکار کرده‌اند...» (بروگش، ۱۳۶۸: ۵۴۶).

کمیبود آذوقه در خراسان، در پاره‌ای مواقع قیمت‌ها را تا سیصد درصد افزایش داد و با اینکه ناصرالدین شاه مجازات مقامات فاسد را وعده داد، در تغییر اوضاع چندان اثری نداشت (امانت، ۱۳۸۳: ۴۹۹).

ابعاد قحطی‌های به‌ظاهر سخت پیش از سال ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م، هیچ‌گاه به پای حوادث و رخداد‌های این سال نرسید. قحطی سال ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م، دیگر شهرهای ایران را نیز تحت‌تأثیر قرار داد. دکتر ویلز (Wills, Charles James) که در این زمان در فارس به سر می‌برد، در سفرنامه خود از خشکسالی و نبود خواروبار و تلف شدن حیوانات سخن گفته است (کریمی، ۱۳۹۲: ۱۴۳). حکومت مرکزی که با هجوم مردم گرسنه قم به سمت تهران روبه‌رو شده بود، چاره کار را در توزیع نان با کیفیت بسیار پایین در میان فقرا دید. مأموران حکومتی نان جو مخلوط با آرد حاجی ترخان را برای فقرا می‌فرستادند که گچ و خاک خالص بود و عوض آرد به دولت فروخته بودند. مأموران فقرا را به سمت قم می‌بردند و در عرض راه پیاده می‌کردند و همان نان موصوف را نیز دخل خود قرار داده بودند (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ۵۴).

احتشام‌السلطنه در کتاب خاطرات خود، وضع تهران را در آن زمان به‌صورتی تأثیربرانگیز توصیف کرده است: «... مردم در کنار خندق بر سر یک لاشه اسب یا قاطر ریخته و با چاقو آن را می‌بریدند و از دست یکدیگر می‌کشیدند. مردم پس از خوردن سگ و گربه

تألیف نشده است. تنها پژوهش صورت‌گرفته در رابطه با مسائل اجتماعی اقتصادی شهر اصفهان، مقاله‌ای است با عنوان «نابسامانی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اصفهان در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۴ش» که احمد کتابی در فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، زمستان ۱۳۷۷، شماره ۱۵ چاپ کرد. این مقاله وضعیت اصفهان را در سال‌های مذکور، یعنی ابتدای دوره پهلوی دوم، بررسی می‌کند و علل بحران‌هایی را واکاوی می‌کند که شهر اصفهان در دوره اشغال ایران توسط متفقین در طی جنگ جهانی دوم درگیر آن بود.

در خصوص بحران نان و قحطی‌های ایران پژوهش‌های ارزشمندی انجام شده است. احمد کتابی مذکور، به بررسی مسائل مبتلابه اصفهان در زمان جنگ جهانی دوم پرداخته است. نویسنده تاریخ ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م را مبدأ مقاله قرار داده است؛ ولی پیامدهای جنگ جهانی دوم را که برخی علل آن مربوط به سیاست‌گذاری‌های دوره پهلوی اول بود، بیان کرده است و وضعیت ارزاق و نان را در دوره پهلوی اول ذکر نکرده است.

اهمیت موضوع نان در اصفهان دوره قاجار

در تابستان ۱۲۷۷ق/۱۸۶۱م و بر سر گرانی آذوقه، برای نخستین بار در عهد قاجار در تهران و تبریز اعتراض‌هایی آغاز شد. این اعتراض‌ها در مدت زمانی کوتاه، به‌صورت سراسری در همه ولایات کشور نمود پیدا کرد (امانت، ۱۳۸۳: ۴۹۸). این قحطی هنگامی روی داد که شاه بدون داشتن صدراعظم، خود زمام امور کشور را در دست داشت (کریمی، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

هینریش بروگش (Brugsch, Heinrich)، سفیر پروس که در آن ایام در تهران به سر می‌برد، اوضاع را چنین توصیف کرده است: «... اوقات همه تلخ و روحیه

و هرچه خوردنی بود ناچار به خوردن اطفال پرداختند...» (احتشام السلطنه، ۱۳۶۶: ۱۳).

وضعیت نان شهر اصفهان نیز، با سایر مناطق و شهرهای ایران تفاوتی نداشت. در سال ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م، در اصفهان زاینده‌رود به‌صورتی خشک شد که با حفر چاه هم به آب نمی‌رسیدند. تمام قرا و قصبات به مخروبه و زمین‌ها به زمین موات و معدوم تبدیل شد. در اصفهان شدت قحطی به‌صورتی بود که مردم آن را معیار تعیین زمان وقوع حوادث تاریخی قرار دادند (جابری، ۱۳۷۸: ۳۴). باوجود آنکه قیمت غله به بیشترین حد رسیده بود، حاکم اصفهان نانوایان را مجبور کرد تا نان را به قیمت کم بفروشند؛ ولی در آن زمان تمام نانوایان شهر اصفهان متحد شدند که گندم را با سایر غلات مخلوط کنند (ویلز، ۱۳۶۳: ۸۲). روزنامه فرهنگ اصفهان درباره شورش سال ۱۲۹۶ق/۱۸۷۹م گزارش می‌دهد، زمانی که ظل‌السلطان برای جمع‌آوری مالیات دیوان و آبادانی املاک خراب‌شده اهتمام ورزید و خواست آب‌های خالصه را که به‌صورت غصب می‌بردند متوجه زمین‌های خالصه (دولتی) کند، باعث ضرر مدعیان شد. آنان نیز به‌دنبال دستاویزی برای شورش بودند و چون در زمستان غله کمیاب و بر قیمت آن افزوده شد، از فرصت استفاده کردند و درصدد شورش برآمدند (روزنامه فرهنگ، ۹ جمادی‌الاول ۱۲۹۶: ش ۲).

اقدامات ظل‌السلطان حاکم اصفهان در تهیه گندم و منع صدور غله

ظل‌السلطان طبق اعلان عمومی، برای رفاه حال مردم، صدور غله اصفهان و یزد را که در این زمان حکومت هر دو شهر به‌صورت واحد اداره می‌شد، به نقاط دیگر ممنوع اعلام کرد (روزنامه فرهنگ،

۱۲ رجب ۱۲۹۶: ش ۶).

در آبان ۱۲۹۶ق/۱۸۷۹م به‌علت کمبود آب و نبود بارش باران، وضع نان باز بحرانی شد. ظل‌السلطان عصر روز شنبه ۲۲ ذی‌قعدة ۱۲۹۶/۱۸۷۹م، حجة‌الاسلام شیخ محمدباقر مجتهد و سایر علما و بعضی از اعظام تجار شهر اصفهان را برای مشورت و رسیدگی به مسئله نان احضار کرد. طی برآورد علما و تجار میزان خوارک اهالی حدود هجده‌هزار خروار شد که ظل‌السلطان آن را تهیه کرد و به‌مباشری دستور داد که گندم را در میان نانوایان تقسیم کنند و در اختیار مردم بگذارند (روزنامه فرهنگ، ۲۷ ذی‌قعدة ۱۲۹۶: ش ۲۱).

شهرداری یا همان بلدیة از مؤسساتی بود که بعد از نهضت مشروطه به وجود آمد. بعد از مشروطه و در زمان قاجار و پهلوی اول، بلدیة وظیفه ساماندهی مسائل اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، عمرانی و... را برعهده داشت.

گرانی و احتکار گندم پس از مشروطیت نیز گریبان‌گیر مردم اصفهان بود و شورش‌های اجتماعی بسیاری را به همراه آورد؛ نمونه آن بلوایی است که در سال ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م و به‌دنبال قحطی نان و گرسنگی مردم شهر اصفهان رخ داد. مردم خشمگین به بلدیة هجوم آوردند و حاج محمدجعفر خوانساری را که از اعضای بلدیة و مسئول امر نان بود، بیرون آوردند و مشغول زدن او شدند. مردم آن‌قدر خوانساری را زدند که جان سپرد؛ سپس به اداره عدلیه حمله کردند و تمام اثاث و وسایل آنجا را غارت و اسناد عدلیه را پاره کردند. این حادثه برای سایر اماکن دولتی مثل انجمن ولایتی نیز رخ داد (رجایی، ۱۳۸۶: ۲۷۶).

در زمان جنگ جهانی اول و در اوایل سال ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م، روزنامه رعد از اصفهان گزارش داد که به‌واسطه گرسنگی و کمی غله اهالی شهر مضطرب

هستند و چهارده روز است که تمام دکان‌ها تعطیل شده‌اند و اهالی در تلگرافخانه متحصن شده‌اند. همچنین اعلام کرد روزی نیست که پنجاه نفر از گرسنگی تلف نشوند (رعد، ۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۶: ش ۲۶/ص ۴). در کاشان نیز حکومت از مرگ فقرا به علت گرانی نان و استطاعت نداشتن اهالی خبر داده است (رعد، ۲۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۶: ش ۳۴/ص ۲). در تلگراف دیگری، میزان مرگ و میر در کاشان بسیار تأسف بار گزارش شده است (رعد، ۱۰ جمادى‌الاول ۱۳۳۶: ش ۷۵/ص ۲).

وضعیت نان اصفهان در دوره پهلوی اول

چنان‌که ذکر شد مشکل نان شهر اصفهان در دوره قاجار همچنان برجا بود و دولت قاجار از اقدامی اساسی و درازمدت برای رفع این مشکلات ناتوان بود؛ پس این مشکلات به صورت میراثی نامطلوب به دوره پهلوی اول انتقال یافت.

روزنامه اخترمسعود در شماره مهر ۱۳۰۴/۱۹۲۵ م، از کمبود و گران شدن نان در اصفهان گزارشی ارائه کرد. در شهر و اطراف آن گندم به سختی پیدا می‌شد و دارندگان آن به تعدادی محتکر منحصر بود. این وضعیت به گونه‌ای نگران‌کننده شده بود که مردم اصفهان برای اظهار تشویش و نگرانی خود، هر روزه برای مسئولان بلدیة (شهرداری) تلگراف می‌فرستادند. روزنامه اخترمسعود در مقاله‌ای انتقادی، درباره وضعیت نابسامان نان شهر نوشت: «... نه بلدیة قانونی داریم که با قدرت و اختیارات تامه بتواند جلوگیری از این هرج و مرج کرده و نه حکمران محترم، خود به شخصه مسئولیت قبول و مشغول فراهم کردن موجبات آسایش عمومی می‌شود» (روزنامه اخترمسعود، ۲۷ مهر ۱۳۰۴: س ۶/ش ۶).

با وجود این، پس از استعفای میرزا حسین جلایی از ریاست بلدیة اصفهان و انتصاب صلاحی، وضعیت نه تنها بهتر نشد بلکه بر نابسامانی وضعیت نان افزوده شد. چنان‌که از مطالعه منابع برمی‌آید، علت این امر انتخاب نامناسب رئیس تازه بلدیة و آگاهی نداشتن و تجربه نداشتن وی در امور ارزاق شهر بود. نتیجه این امر افزایش روزافزون بحران ارزاق عمومی مردم شهر و سخت‌تر شدن وضعیت زندگی آنان بود (روزنامه اخترمسعود، ۲۷ آذر ۱۳۰۴: س ۶/ش ۲۴).

برای رفع این مشکل، امور مربوط به نان به سرهنگ احمدعلی خان، رئیس نظمیة، محول شد که شخص باتجربه‌ای بود و برخی از متنفذان شهر نظیر حاج آقانو رالله و صارم‌الدوله و سرهنگ ابوالفتح خان، رئیس پادگان اصفهان، به همکاری با احمدعلی خان پرداختند. پس از تشکیل چند کمیسیون مختلف، قرار شد هشت هزار خروار گندم از کشاورزان خریداری شود و مطابق نرخ عادلانه به نانوایان فروخته شود (روزنامه اخترمسعود، ۲۷ آذر ۱۳۰۴: س ۶/ش ۲۴).

با اقدامات صورت گرفته، دیگر گزارشی از کمبود شدید نان در شهر به دست نمی‌آید؛ اما با وجود این، همچنان کیفیت نان طیخ‌شده در شهر نامطلوب بود و قیمت آن چشمگیر بود. روزنامه اخگر در گزارشی درباره وضعیت نان شهر اصفهان در سال ۱۳۰۷ ش/ ۱۹۲۸ م نوشت: «در صورتی که اصفهان یکی از مهم‌ترین ولایات زراعتی و در اطراف آن بهترین گندم‌ها کاشت می‌شود، با این وجود نان اصفهان قابل خوردن نیست. نان این شهر به جای آرد گندم یا جو، ترکیبی از مقدار کمی آرد و تخم علف و شن و خاک می‌باشد و برای مردمی که اغلب باید نان خالی بخورند، یا با نان لبو و کشک امرار معاش کنند نیروئی باقی نخواهد ماند. توجه به این قضایا از کارهای اولیه بلدیة

است و برای سلامتی مردم بی‌اندازه مهم است» (روزنامه اخگر، ۲۳ آبان ۱۳۰۷: س ۱/ش ۱۳). از آنجا که در این دوره، نظارت بر نانوائی‌های شهر و تأمین ارزاق عمومی مردم تحت نظارت بلدیة بود، روزنامه اخگر انتقادهای خود را از وضعیت نان شهر متوجه بلدیة کرد.

با وجود کاهش قیمت گندم، نامرغوب بودن کیفیت نان و گرانی آن در ماه رمضان ۱۳۰۷ش/۱۹۲۸م همچنان ادامه یافت. روزنامه اخگر که در آن ایام پرخواننده‌ترین روزنامه شهر بود، با دقت خاصی مشکلات اجتماعی و اقتصادی شهر را بررسی می‌کرد. این روزنامه از طرف یکی از شهروندان اصفهان با نام مهدی لاهیجانی، مقاله‌ای را چاپ کرد که در آن نویسنده ضمن بیان مطالبی در خصوص گرانی و غیرماکول بودن نان شهر اصفهان، از نمایندگان دولت می‌پرسید «چه کسانی غیر از نمایندگان محترم دولت باید اساس آسایش اهالی آبرومند را فراهم کنند؟» او رسیدگی به قیمت نان و گوشت را به‌خصوص در ماه مبارک رمضان، از مسئولان بلدیة درخواست کرد (روزنامه اخگر، ۲۲ بهمن ۱۳۰۷: س ۱/ش ۷۱).

در کنار مشکلات مربوط به گرانی نان و نامرغوبی آن که از سوءعملکرد نانوایان ناشی بود، از سال ۱۳۰۸ش/۱۹۲۹م به بعد، در روزنامه اطلاعات گزارش‌هایی از بروز آفات نباتی در دست است؛ گزارش‌هایی از حمله حشرات مضر همچون ملخ و سن به محصول صیفی و مزارع گندم و جو در شهرهای ایران و همچنین شهر اصفهان و حومه آن که این مسئله بر معضل ارزاق عمومی و به‌طور اخص وضع نان در شهر اصفهان تأثیر بسیاری گذاشت. «گلپایگان-امروز عصر باد شدت گرفت قدری باران هم آمد بلافاصله عده زیادی ملخ آمده در فضای گلپایگان در پرواز هستند» (اطلاعات، ۲۲ تیر ۱۳۰۸:

ش ۸۰۹/ص ۳). روزنامه اطلاعات در شماره‌های سال ۱۳۰۹ نیز، شیوع ملخ را در شهرستان‌های اصفهان از جمله کاشان، نائین و اردستان گزارش کرده است. «نظر به راپورت‌های تلگرافی اردستان و شهرضا راجع به آمدن ملخ در آنجاها و نواحی اصفهان عصر سه‌شنبه برحسب دعوت حکمران، کمیسیونی از روسای ادارات دولتی در اداره حکومتی تشکیل و با حضور مأمورین دفع ملخ مذاکراتی به عمل آمده و در نتیجه رای کمیسیون بر این قرار گرفت که مأمورین دفع ملخ به فوریت به شهرضا و اردستان حرکت نموده پس از مراجعت نتیجه مشاهدات خود و تصمیمی که برای دفع ملخ در نظر خواهد گرفت به کمیسیون مزبور پیشنهاد و اقدامات لازم صورت گیرد» (اطلاعات، ۳ خرداد ۱۳۰۹: ش ۴۱۰۸/ص ۳).

مسئله نان ممکن بود که در اندک زمانی جنجالی‌ترین مشکل شهر شود. در سال ۱۳۱۰ش/۱۹۳۱م، بلدیة اصفهان تصمیم گرفت که برای تأمین هزینه‌های اصلاحات شهری، بر پخت نان مبلغی جزئی عوارض وضع کند. این امر باعث شد که خبازان از همراهی با این قانون سرباز زنند و کیفیت نان را در عمل خراب‌تر کنند. آن‌ها در مقابل تهدیدات بلدیة تسلیم نشدند و سرانجام بلدیة تسلیم شد و لغو قانون عوارض بر پخت نان را اعلام کرد (مجله بلدیة، ۱۳۱۰: ش ۱۷۰۸/ص ۱۸).

به‌منظور جلوگیری از افزایش قیمت نان، بلدیة شهر اصفهان قانونی را تصویب کرد که از خروج گندم از شهر ممانعت می‌کرد و گندم تولیدی روستاهای آن، از جمله گلپایگان و کمره و محلات نیز به‌طور انحصاری به اصفهان حمل می‌شد و در اصفهان به مصرف می‌رسید. علت این ممنوعیت آن بود که با انتقال گندم از اصفهان به سایر شهرها، قیمت آن افزایش می‌یافت (روزنامه اخگر، آذر ۱۳۱۱: ش ۸۰۲).

این اقدامات، در سال ۱۳۱۵ ش/۱۹۳۶ م باز مشکل نان در شهر اصفهان شدت گرفت و جمعیت چشمگیری مقابل دکان‌های نانوائی تجمع کردند و بسیاری از دکان‌های نانوائی، خبازی خود را تعطیل کردند؛ به طوری که بازرسان شهرداری مرتب گزارش نانوائی‌های بسته شده را برای رؤسای شهرداری می‌فرستادند. در این گزارش‌ها، آمده بود که بیشتر نانوائی‌های بخش یک و دو و چهار اصفهان تعطیل شده‌اند (ساکما، ۲۹۱۰۰۰۶۰۴، ۲۹۱۰۰۰۵۹۸).

بروز ناآرامی‌ها در اثر مشکل نان، لزوم رسیدگی به مسئله نان را جدی‌تر کرد و تصمیم گرفته شد که با نظر حکومت و شهرداری اصفهان ادارات تثبیت نرخ غله، نرخ فروش غلات را تعیین کنند و به خبازان بگویند (ساکما ۲۹۱۰۰۰۵۶۲، ۲۹۱۰۰۰۵۷۵)؛ همچنین انحصار تهیه آرد را اداره تثبیت نرخ غله انجام دهد تا مانع هرگونه قاچاق و تغییر قیمت شود و بهانه از خبازها گرفته شود (ساکما، ۲۹۱۰۰۰۶۰۰). در گزارشی که به وزیر مالیه ارائه شده است، علت بروز این مشکل را در شهر گرانی هزینه آسیابان‌ها و احتکار گندم توسط گروهی از مردم می‌دانستند که گندم‌های مزارع اطراف شهر را خریداری و احتکار می‌کردند. در این گزارش آمده است: «با این اجزاء غیرمتناسب و قلیل و حقوق‌هایی که تناسب با مخارج امروزه ندارد تفتیش دائم تقریباً در حکم محال و باید وسائل فراهم نمود که به طور قطع و یک مرتبه کار از دست یک قسمت خارج شود در مرحله اول این است که آرد را خود تثبیت غله تهیه نماید» (ساکما، ۲۹۱۰۰۰۵۹۷).

از دیگر اقدامات بلدییه اصفهان، ممنوع کردن ورود نان پخته شده از اماکن دیگر برای فروش به داخل شهر اصفهان بود (روزنامه اخگر، ۲۹ مهر ۱۳۱۴: ش ۱۰۸۱). مشکل نان در اصفهان سال‌های بعد نیز تکرار شد. در سال ۱۳۱۷ ش/۱۹۳۸ م، باز هم دکان‌های نانوائی بسته

نیاز به بهبود کیفیت نان شهر، بلدییه را برآن داشت که برای بهتر شدن کیفیت نان اقداماتی اساسی انجام دهد. در مرداد ۱۳۱۲/۱۹۳۳ م، بلدییه اصفهان به تهیه نظام‌نامه‌ای اقدام کرد که مهم‌ترین بخش آن عبارت بود از رسیدگی به وضعیت بهداشتی آب برای تهیه نان، ارائه وجه‌الضمان نقدی و ضمانت‌نامه معتبر، نصب تابلویی که قیمت نان در آن نوشته شده، تعقیب و مجازات نانوائی‌هایی که نان نامرغوب و غیرماکول طبخ کنند (روزنامه اخگر، ۵ مرداد ۱۳۱۲: ش ۸۶۳).

اداره بلدییه سعی کرد با برقراری مقرراتی، از مشکلات نان و مسائل بهداشتی در شهر بکاهد. در اعلان مورخ ۲۸ بهمن ۱۳۰۹/۱۹۳۰ م رئیس بلدییه اصفهان، حسین جلائی، مقرراتی درباره نانوائی‌ها به مرحله اجرا گذاشت؛ براساس این مقررات، نانوائی‌ها باید اجازه‌نامه چاپی بلدییه داشتند. درباره آرد هم می‌بایست از گندم خالص و بدون عیب استفاده می‌کردند و چنانچه آرد نرم و خالص نبود، آسیابان و «بارورز» بازخواست می‌شدند. درباره مسائل بهداشتی هم مکان نانوائی باید تا دو متر شستشوپذیر بود و درب فلزی، سقف‌های سفید و تمیز و نور کافی داشت. وسایل نانوائی نیز باید همیشه تمیز و پاک و از جنس برنج یا آهن سفید بود. کارکنان نانوائی‌ها موظف بودند که ماهی یکبار برای معاینه بهداشتی، نزد پزشک بلدییه محل بروند و تصدیق صحت مزاج دریافت کنند. تمام کارگران خبازی باید پیراهن سفید می‌پوشیدند و سر خود را با ماشین نمره دو از ته می‌زدند و ناخن‌های خود را کوتاه نگاه می‌داشتند (ساکما، ۲۹۰۰۰۲۱۸۶).

بلدییه برای ایجاد رضایت مردم و افزایش سطح کیفی نان، چهار مغازه نانوائی در چهار نقطه شهر باز کرد و سایر نانوائی‌ها را هم مکلف کرد که نان خود را از هر جهت، مطابق نان مغازه‌های شهرداری تهیه کنند (روزنامه اخگر، ۱۶ آبان ۱۳۱۳: ش ۱۲۸۳)؛ اما با وجود همه

موضوع توسعه و افزایش و بهبودی کشت و ذرع می‌باشند» (اطلاعات، ۱۱ فروردین ۱۳۲۰: ش ۴۶۱/ص ۱).

از ابتدای تابستان ۱۳۱۹ ش/ ۱۹۴۰م، روزنامه اطلاعات گزارش‌هایی درباره دفع آفت سن در اصفهان داد. بازرسی‌هایی که از طرف اداره کل کشاورزی برای رسیدگی به عملیات از بین بردن تخم سن به مناطق سن خیز رفته بودند، پس از مطالعات لازم، در نقاط مختلف شروع به مبارزه کردند (اطلاعات، شهریور ۱۳۱۹: ش ۴۲۸۴/ص ۸). طبق برخی از گزارش‌ها، رئیس اداره کشاورزی اصفهان خود به محل‌های سن خیز رفته بود و عملیات دفع سن را بررسی کرده بود. این نواحی شامل سده و ناین و اشترجان بود که در منطقه سده حدود ۸۰۰ کیلو سن جمع‌آوری شد (اطلاعات، ۱۵ فروردین ۱۳۲۰: ش ۴۶۹۴/ص ۱).

از بررسی این گزارش‌ها مشخص می‌شود که یکی از علل کمبود و نامرغوب بودن نان، رسیدگی دیر هنگام دولت وقت به اصلاح وضع بذر گندم و امور کشاورزی در سراسر کشور بود. کشاورزی از ارکان مهم اقتصاد کشور محسوب می‌شد و با وجود انحصار آن به بخش دولتی، در دوره پهلوی اول کمترین توجه را به این امر مهم شاهد هستیم؛ به طوری که در اواخر دوره پهلوی اول، یعنی سال ۱۳۱۹ ش/ ۱۹۴۰م، دولت رسیدگی و توجه به بخش زراعی را در کانون توجه قرار داد. علت دیگر آفات نباتی و حمله آن‌ها به بذر گندم در اصفهان و شهرستان‌های آن و در برخی دیگر از استان‌ها، از جمله شیراز و لرستان، بود. در رابطه با این مسئله، به طور مرتب گزارش‌های کوتاهی در روزنامه اطلاعات درج شده است (اطلاعات، ۱۱ خرداد ۱۳۲۰: ش ۴۵۵۱/ص ۱). در کنار بروز جنگ جهانی دوم، آفات نباتی یکی از علل بسیار مهم کمبود گندم و افزایش

شدند و این اسباب زحمت مردم شهر شد. نانوائی‌های شهر اعتراض می‌کردند که از دهات حول و حوش شهر، روزانه مقدار چشمگیری نان وارد شهر می‌شود و به فروش می‌رسد و از این بابت، خبازی‌های شهر متضرر می‌شوند (اسنادی از انجمن‌های بلدی تجار و اصناف، ۱۳۸۰: ۷۹۸/۲؛ ساکما، ۱۴۱۲: ۲۹۱۰۰۱).

بلدیه نظارت کامل بر کیفیت نان داشت و خبازان را مکلف کرده بود که گندم یا آرد مرغوب و پاک‌کرده را از انبار شرکت تهیه کنند. نرخ غله خریداری تثبیت شده بود و خبازان موظف بودند که عین همان آن را به نان تبدیل کنند و در دسترس مردم گذارند. بنابراین بلدیه ورود نان پخته و نانی را که مواد اولیه آن مبهم و نامشخص بود و نظارتی بر مراحل تهیه آن نشده بود، به جد ممنوع کرده بود. قرار بر این بود که اگر مأموران مربوط در این خصوص کشفیاتی کردند، علاوه بر اینکه عین نان به مؤسسات خیریه واگذار شود، متخلفان نیز تعقیب شوند (روزنامه اخگر، ۲۹ مهر ۱۳۱۴: ش ۱۰۸۱). مدتی بعد، شهرداری برای افزایش کیفیت نان در شهر اصفهان به اداره تثبیت غله دستور داد که گندم مصرفی نانوائی‌ها را آرد کنند و در اختیار نانوایان قرار دهند تا زمینه بهانه پخت نان نامرغوب را از نانوائی‌ها سلب کنند (روزنامه اخگر، ۱۵ مرداد ۱۳۱۸: ش ۱۴۵۲).

در خرداد ۱۳۱۹/ ۱۹۴۰م، روزنامه اطلاعات گزارشی با عنوان «بهبودی و اصلاح بذر گندم» ارائه کرد. اداره کل کشاورزی به منظور تهیه بذر مرغوب و متناسب با آب‌وهوای منطقه‌های مختلف کشور، گندم‌های بومی تمام شهرستان‌ها را به تدریج جمع‌آوری می‌کرد و آزمایش می‌کرد (اطلاعات، ۲۳ خرداد ۱۳۱۹: ش ۴۱۶۹/ص ۸). «در نقاط شهرک-شهرضا-اردستان-نجف‌آباد و غیره نیز با حضور آقایان بخش‌داری‌ها و نمایندگان اداره‌های کشاورزی و اقتصاد و مالکین محل جلساتی تشکیل شده و مشغول مطالعه و بررسی در

در شهر شایع شده بود که علت افزایش این مشکلات و کمبود مواد غذایی آن است که بیگانگان و قوای نظامی انگلیس و شوروی، خواروبار و ارزاق موجود در بازار را خریداری کرده‌اند (ساکما، ۵۲۱۳۲۰). البته وزیرمختار انگلیس به‌طور قاطع این مسئله را تکذیب کرد (ساکما، ۱۰۰۰۲۲۶۸). روزنامه اخگر در مقاله‌ای نوشت که گندم اصفهان به‌منظور مصارف و مقاصد خاصی حمل می‌شود و این مسئله موجبات نگرانی مردم شهر را از وضعیت نان در آینده فراهم کرده است (روزنامه اخگر، ۱۵ آبان ۱۳۲۰: ش ۱۶۹۶).

پس از شروع جنگ جهانی دوم، اشخاص منفعتجو به بهانه بروز جنگ و تهیه خواروبار ضروری انگلیس و شوروی شروع به خریدن خواروبار کردند. در واقع، با حضور متفقین در ایران و نیاز آن‌ها به غله و خواروبار، این افراد از فرصت ایجادشده به نفع مقاصد خود استفاده کردند و به نام تهیه خواروبار برای این دو کشور، خواروبار ضروری مردم را احتکار کردند تا با قیمت مناسب به فروش رسانند. روزنامه اخگر مقاله‌ای برگرفته از نامه ملی مجله کوشش نقل کرد و در آن، به شدت از عملکرد ضعیف شهرداری اصفهان انتقاد کرد: «... اگر خارجی بخرد و ببرد و اگر داخلی احتکار نماید، شهرداری عزیز ما جز همین که تماشاچی منظره اعمال حیرت‌انگیز آن‌ها باشد، کار دیگری ندارد!» (روزنامه اخگر، ۲۰ آذر ۱۳۲۰: ش ۱۷۰۲).

این روزنامه در ادامه نوشت، بی‌انصافی است که مردم تهران و شیراز و برخی شهرهای دیگر ایران نان را کیلویی یک ریال بخرند و توده کم‌درآمد اصفهان نان را هر کیلو ۲/۶۵ ریال و گاه هم با قیمت بیشتر خریداری کنند. چرا این مقدار گندم از ملاکان محتکر و بی‌انصاف اصفهان خریداری شد و چرا اداره دارایی اقتصادی اصفهان به‌صورت توافقی گندم مازاد ملاکان را نخرید

قیمت و کاهش کیفیت نان در اواخر دوره پهلوی اول بود. در سال ۱۳۱۹ ش/۱۹۴۰ م، کسری آرد ضروری نانوایان اصفهان برای تأمین نان مصرفی ساکنان شهر، سیزده‌هزار تن بود؛ بنابراین برای جبران این کسری، تصمیم گرفته شد که از کردستان گندم وارد شود (ساکما، ۲۴۰۰۱۰۳۳۹).

تأثیرات اقتصادی و اجتماعی جنگ‌های جهانی بر ایران بسیار گسترده و چشمگیر بود و باوجود اعلام بی‌طرفی دولت ایران در هر دو جنگ جهانی، متفقین بی‌طرفی ایران را نادیده گرفتند. متفقین با اقدام برای بیرون‌بردن مواد غذایی از ایران و دراختیارگرفتن راه‌های مواصلاتی کشور و امکانات حمل‌ونقل، در پیدایش و گسترش بحران نان نقش بزرگی داشتند. تورم و دزدی و ناامنی و قحطی نمونه‌هایی از پیامدهای این تهاجم و تعدی به خاک ایران بود. طبق نوشته‌های روزنامه اخگر، در همان هفته‌های اولیه جنگ عوارض ویرانگر آن آشکار شد؛ برای مثال یکی از شهروندان اصفهان به حالت اعتراض مقاله‌ای را در روزنامه اخگر درج کرد و از گرانی نان و افزایش روزبه‌روز قیمت ارزاق و خواروبار شکایت کرد (روزنامه اخگر، ۸ مهر ۱۳۲۰: ش ۱۶۸۶).

درواقع اولین پیامد جنگ در ایران، جدی‌ترشدن بحران نان بود و مثل همیشه کیفیت نان کم شد. در دکان‌های نانوایی شلوغ شد و عده‌ای از نانوایی‌ها تعطیل شدند. برای بررسی و رفع این مشکل، فرماندار اصفهان و رئیس امور دارایی شهر جلساتی ترتیب دادند. برای واردکردن غله، رئیس دارایی مرکز درخواست‌های به پایتخت ارسال کرد. فرماندار اصفهان در نامه‌ای که به وزیر کشور نوشت، بیان کرد اگر گندم وعده‌داده‌شده به شهر وارد نشود، امکان بروز قحطی در شهر بسیار محتمل است (ساکما، ۲۹۱۰۰۳۲۵۲، ۳۲۱۳۲۰، ۸۲۱۳۲۰؛ ایران در اشتغال متفقین، ۱۳۷۱: ۲۰۴).

و چرا با گرفتن رشوه و اعمال محافظه‌کاری، ملاکان را در انبارکردن گندم خود آزاد گذاشتند (روزنامه اخگر، ۱۱ اسفند ۱۳۲۰: ش ۱۷۳۲).

به استناد گزارش شهربانی اصفهان وزیر کشور، سپهبداحمدی، نامه‌ای برای فرمانداری اصفهان فرستاد، مبنی بر اینکه: «از طرف انگلیس‌ها و همچنین عده از کسبه اصفهان من غیرمستقیم برای آن‌ها مشغول خرید خواروبار بوده و حتی آنچه آلات و ادوات اتومبیل در مغازه‌های اصفهان یافت می‌شود امتیاع می‌نمایند و این مسئله علاوه بر اینکه به زودی اصفهان را از حیث کمی خواربار عمومی دچار مضیقه و زحمت خواهد نمود اصولاً وحشت و اضطرابی هم بین اهالی ایجاد نموده که مآلاً منجر به عواقب نامطلوبی خواهد گردید». در این نامه وزیر کشور به فرماندار اصفهان دستور داد: «اقدام به عمل آورند که در چنین موقع خطیر اشخاص منفعت‌جو از خرید و جمع‌آوری ارزاق عمومی خودداری نمایند» (ساکما، ۱۰۰۰۰۲۲۶۸).

در همین رابطه در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۲۰/۱۹۴۱ م سفارت انگلیس از طرف بولارد، وزیرمختار انگلیس در ایران، نامه‌ای خطاب به علی سهیلی، وزیر امور خارجه، فرستاد. در نامه مذکور، بولارد نوشت که طبق تلگراف رسیده از طرف کنسول یار انگلیس در اصفهان، عده‌ای از تجار غله در آن شهر شایعه‌ای منتشر کرده‌اند، دایر بر اینکه نصف مقادیر گندم خود را به نیروهای انگلیس می‌فروشند و چون مردم نگران بروز قحطی می‌شوند، این اشخاص گندم خود را با قیمت بسیار هنگفتی به مردم می‌فروشند. او از فرماندار اصفهان تقاضا کرد که درباره این مسئله اقدام لازم صورت گیرد. بولارد درخواست اقدام برای خاتمه این شایعات کرد و مدعی شد که دولت انگلیس نه تنها گندمی برای مصرف ارتش انگلیس در ایران خریداری نمی‌کند، بلکه سعی می‌کند که از هندوستان گندم وارد کند و به مردم ایران بفروشد

(ساکما، ۱۰۰۰۰۲۲۶۸).

در پی دستور وزیر کشور به فرماندار اصفهان، وی اقدام به احتکار گندم و حبوبات را گناهی بزرگ و نابخشودنی اعلام کرد. او دارندگان گندم و حبوبات را ملزم کرد که گندم خود را به اداره دارایی اقتصادی تحویل دهند و به جد از احتکار خودداری کنند و قیمت آن را نیز افزایش ندهند. فرماندار اصفهان همچنین خرید گندم برای متفقین را به دور از حقیقت دانست و محتکران را انتشاردهنده اخبار جعلی معرفی کرد (ساکما، ۱۰۰۰۰۲۲۶۸).

فرماندار اصفهان در جواب نامه وزیر کشور نوشت: «در موضوع شایعات بی‌اساس از طرف خریداران غله تصدیق می‌دهد برای جلوگیری از این شایعات قبلاً از طرف فرمانداری اقدام به عمل آمده و آگهی منتشر گردیده و مراتب عرض شده اینک نیز برای روشن شدن ذهن اهالی و جلوگیری از احتکار و انتشار اخبار جعلی اختطاری در روزنامه‌های عرفان و اخگر درج و جداگانه نیز مقداری چاپ و به بخش‌های تابعه فرستاده شد که در حوزه مأموریت خود منتشر نمایند...» (ساکما، ۱۰۰۰۰۲۲۶۸).

به دنبال دستورات وزیر کشور به فرماندار اصفهان، با حضور اردلان فرماندار اصفهان، علیزاده رئیس دارایی اقتصادی و شهردار جلسه‌ای تشکیل شد و موضوع رسیدگی به وضعیت نان شهر اصفهان ارزیابی شد. نتیجه این جلسه واگذاری آرد به نانوایان از طرف اداره دارایی اقتصادی بود و تهیه مازاد آن نیز برعهده نانوایان گذاشته شد. همچنین قیمت نان یک ریال و چهل دینار تثبیت شد و مقرر شد اداره مذکور بر عملکرد نانوایی‌ها نظارت کند و از آن‌ها بازرسی کند (روزنامه اخگر، ۱۷ فروردین ۱۳۲۱: ش ۱۷۴۰). با وجود تمام تمهیدات فرمانداری و شهرداری و اداره دارایی اقتصادی اصفهان، اخگر در مقاله‌ای نوشت: چون روز گذشته مردم شهر

اشغال نظامی ایران، دوباره شورش و اعتراض مردم رقم خورد. بررسی این بحران خود موضوع مستقلی است و کتب و مقالات ارزشمندی در این خصوص انتشار یافته است.

منابع اشاره شده، ادعای سفیر بریتانیا در زمینه خرید نکردن اجباری خواروبار و ارزاق و کمبود نان و تأثیر متفقین بر آن را رد می‌کنند؛ اما با این همه، در مطالعه منابع مرتبط با پژوهش نمونه‌ای وضعیت نان شهر اصفهان، از دخالت بریتانیا در وضعیت نابسامان نان در شهر اصفهان اثری به دست نیامد.

نتیجه

نظام پهلوی اول که وارث بحران نان و ارزاق عمومی از دوره قاجار بود، برای رسیدگی به وضعیت نان شهر اصفهان به وضع قوانین و نظام‌نامه‌هایی با نظارت مستمر مبادرت کرد. با توجه به ماهیت استبدادی نظام سیاسی در دوره پهلوی اول و اقدام به انحصار مسائل اقتصادی و سیاسی به دولت، سیاست‌گذاری‌های دولت در بخش‌های مختلف برای اجرای برنامه‌های اصلاحی با نظارت شدید بخش دولتی همراه بود. دخالت مستقیم دولت در خرید گندم از کشاورزان و فروش آن به نانوایان و برعهده‌گرفتن تمام مراحل پاک‌کردن گندم و تهیه آرد از آن، از جمله سیاست‌های اقتصادی دولت در خصوص نان بود. در تحلیل بسیاری از پژوهشگران، به لحاظ توسعه اقتصادی، این انحصارطلبی دولت امری نامطلوب مطرح می‌شود؛ اما زمانی که به منابع مربوط به آن زمان مراجعه می‌کنیم معلوم می‌شود که نظارت دولت بر عملکرد اصناف و مشاغل و دستگاه‌های ذیربط جزو مطالبات مردم از دولت به شمار می‌آمد؛ به عنوان نمونه، اخگر از طرف یکی از شهروندان اصفهان مقاله‌ای اعتراض‌آمیز چاپ

اصفهان انتظار داشتند که نان به قیمت یک ریال به فروش برسد و خلاف انتظار خود را مشاهده کردند، عده‌ای در بازار اغتشاش ایجاد کردند و به سه مغازه نانوایی هجوم بردند و نان‌ها و موجودی نقدی آن‌ها را غارت کردند (روزنامه اخگر، ۱۷ فروردین ۱۳۲۱: ش ۱۷۴۰). البته مأموران شهربانی دوباره نظم و آرامش را در شهر برقرار کردند و سرانجام از روز سه‌شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۲۱/۱۹۴۲ م مقرر شد نصف آرد مصرفی روزانه شهر را اداره دارایی اقتصادی تأمین کند و نصف دیگر را نانوایان به صورت آزاد تهیه کنند؛ در نتیجه قیمت نان که معادل ۲/۴۰ ریال بود به ۱/۴۰ ریال تنزل یافت (روزنامه اخگر، ۲۰ فروردین ۱۳۲۱: ش ۱۷۴۱).

طبق اظهارات منابع ادعای بولارد، سفیر وقت انگلیس در زمان جنگ جهانی دوم، در خصوص خارج‌نشدن گندم و خواروبار از ایران توسط انگلیس و شوری به هیچ وجه صحت نداشت. طبق پیمان سه‌جانبه قرار بود که در ایران، کشورهای انگلیس و شوروی نیازهای غذایی قوای نظامی خود را از طریق واردات تأمین کنند؛ ولی در عمل این کار صورت نگرفت (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۷: ۴۱۱). ارتش متفقین به علت نیاز مبرم به گندم و سایر غلات، مقادیر درخور توجهی از ارزاق عمومی و ضروری داخل کشور را به اجبار یا با قیمت بسیار کم از ایران خارج کردند (فوران، ۱۳۹۲: ۴۰۰)؛ پس در این برهه از تاریخ کشورمان، حضور قوای بیگانه در ایران از عوامل ادامه بحران و کمبود شدید نان در تهران و برخی شهرهای دیگر بود. این نوسان قیمت نان و ارزاق و کیفیت آن همچنان ادامه داشت و دولت هم به علت درگیر شدن ایران در جنگ جهانی دوم، قادر نبود که به قحطی و مسائل مربوط به نان خاتمه دهد. تا اینکه در تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۲۱/۱۹۴۲ م، یعنی بیش از یک سال پس از

اعلان عمومی شد و بازرسان شهرداری در زمینه رعایت این نظام‌نامه‌ها، بر عملکرد نانوایان نظارت مستمر داشتند.

در زمینه رعایت مسائل بهداشتی نیز شهرداری اصفهان از طریق پزشک معتمد خود، به وضعیت بهداشت مغازه‌های نانوایی و سلامت نانوایان نظارت می‌کرد و برای ارتقا کیفیت نان شهر، از ورود نان پخته‌شده به شهر اصفهان جلوگیری می‌کرد. علت این امر نیز تردیدهای شهرداری درباره کیفیت مواد اولیه مصرف‌شده در نان‌های مزبور و رعایت مسائل بهداشتی آن‌ها بود.

با این‌همه در یک جمع‌بندی کلی براساس مطالعه اسناد و منابع، باید گفت باوجود تمهیدات صورت‌گرفته در دوره پهلوی اول، مشکل نان شهر اصفهان همچنان به‌صورت مسئله‌ای حل‌نشده باقی ماند و مردم اصفهان از گرانی نان و کیفیت نامطلوب آن شاکی بودند؛ به‌طوری‌که ممکن بود این مشکل در اندک زمانی، به یکی از بحران‌های اجتماعی و سیاسی شهر مبدل شود.

کتابنامه

الف. اسناد منتشرشده
 . اسنادی از انجمن‌های بلدی تجار و اصناف (۱۳۲۰-
 ۱۳۰۰ش)، (۱۳۸۰)، ۲ج، تهران: وزارت فرهنگ و
 ارشاد اسلامی، تهران.
 . ایران در اشغال متفقین، (۱۳۷۱)، به کوشش
 صفاءالدین تبرائیان، تهران: رسا.

ب. اسناد منتشرنشده

. اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):
 ۲۶۲۶۸۰۰۰۱۰۰، ۵۲۱۳۲۰، ۸۲۱۳۲ ۲۹۱۰۰۳۲۵۲،
 ۳۲۱۳۲۰، ۲۴۰۰۱۰۳۳۹، ۲۹۱۰۰۱۴۱۲

کرده است که نویسندگان شهرداری را در کانون سوال قرار می‌دهد؛ به‌واسطه آنکه نتیجه کمیسیون تعیین نرخ گندم و نان را اعلام نکرده است.

شهرداری اصفهان نهاد مسئول در رابطه با نان شهر بود و برای رفع کمبود نان و گرانی آن اقداماتی انجام داد. در همین راستا، نظام‌نامه‌هایی به‌منظور تثبیت قیمت نان تدوین شد و اعلان عمومی شد و بازرسان شهرداری در زمینه رعایت این نظام‌نامه‌ها، بر عملکرد نانوایان نظارت مستمر داشتند.

از اقدامات صورت‌گرفته از سوی حکومت اصفهان و شهرداری شهر، ممانعت از خروج گندم شهر برای سایر استان‌ها بود. این اقدام به‌منظور جلوگیری از کمبود نان و سودجویی نانوایان در ارائه نان بدون کیفیت انجام شد. این سیاست تا شروع جنگ جهانی دوم نیز همچنان از سوی فرماندار اصفهان ادامه داشت.

در این سال‌ها، با هدف رفع مشکل کمبود گندم، برای دفع آفات نباتی نیز اقداماتی صورت گرفت. این معضل به‌صورت زنجیروار، کاهش محصول گندم را موجب می‌شد و کاهش گندم افزایش قیمت نان و بروز قحطی را باعث می‌شد. توجه‌نکردن نظام سیاسی به بخش کشاورزی و پیگیری نکردن راهکار مناسب برای بحران حمله هر ساله سن و ملخ به مزارع کشور، یکی از عوامل اصلی کمبود و گرانی و درنهایت ادامه بحران نان در این سال‌ها بود. مصداق روشن آن نیز اقدام دیر هنگام دولت در سال ۱۳۱۹ش/۱۹۴۰م، به‌منظور اصلاح بذر گندم در همه استان‌ها بود. در شهر اصفهان نیز با تشکیل کمیسیون‌های مختلفی با حضور بخشدارها و نمایندگان ادارات کشاورزی و اقتصاد دارایی، برای اصلاح بذر گندم و افزایش محصول استان اصفهان اقدامات دیر هنگامی صورت گرفت.

با هدف رفع مشکلات کیفی و کمی نان، نظام‌نامه‌هایی به‌منظور تثبیت قیمت نان تدوین شد و

- د. روزنامه . ۲۹۱۰۰۰۶۰۴ ، ۲۹۰۰۰۲۱۸۶ ، ۲۴۰۰۱۰۳۳۹
- . روزنامه اخترمسعود، ۲۷ مهر ۱۳۰۴ ش، ۶ ش، ۱۹ . ۲۹۱۰۰۰۵۶۲ ، ۲۹۱۰۰۰۵۷۵ ، ۲۹۱۰۰۰۵۹۷
- . (۲۷ آذر ۱۳۰۴ ش، ۶ ش، ۲۴ . ۲۹۱۰۰۰۶۰۰
- . روزنامه اخگر، ۲۳ آبان ۱۳۰۷ ش، ۱ ش، ۱۳ .
- . ۲۲ بهمن ۱۳۰۷ ش، ۱ ش، ۷۱ .
- . آذر ۱۳۱۱ ش، ۵ ش، ۸۰۲ .
- . ۵ مرداد ۱۳۱۲ ش، ۵ ش، ۸۶۳ .
- . ۲۹ مهر ۱۳۱۴ ش، ۷ ش، ۱۰۸۱ .
- . ۶ آبان ۱۳۱۲ ش، ۹ ش، ۱۲۸۳ .
- . ۱۵ مرداد ۱۳۱۸ ش، ۱۱ ش، ۱۴۵۲ .
- . ۸ مهر ۱۳۲۰ ش، ۱۳ ش، ۱۶۸۶ .
- . ۱۵ آبان ۱۳۲۰ ش، ۱۳ ش، ۱۶۹۶ .
- . ۲۰ آذر ۱۳۲۰ ش، ۱۳ ش، ۱۷۰۲ .
- . ۱۱ اسفند ۱۳۲۰ ش، ۱۴ ش، ۱۷۳۲ .
- . ۱۷ فروردین ۱۳۲۱ ش، ۱۴ ش، ۱۷۴۰ .
- . ۲۰ فروردین ۱۳۲۱ ش، ۱۴ ش، ۱۷۴۱ .
- . روزنامه اطلاعات، شنبه ۲۲ تیر ۱۳۰۸، ۴ ش، ۸۰۹ .
- . شنبه ۳ خرداد ۱۳۰۹، ۴ ش، ۴۱۰۸ .
- . پنجشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۱۹، ۱۴ ش، ۴۱۶۹ .
- . جمعه ۱ شهریور ۱۳۱۹، ۱۵ ش، ۴۲۸۴ .
- . دوشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۲۰، ۱۵ ش، ۴۴۶۱ .
- . جمعه ۱۵ فروردین ۱۳۲۰، ۱۵ ش، ۴۴۹۴ .
- . ۱۱ خرداد ۱۳۲۰، ۱۵ ش، ۴۵۵۱ .
- . روزنامه رعد، ۱۳۳۶ ق، ۹ ش، ۲۶ و ۳۴ و ۷۵ .
- . روزنامه فرهنگ، ۹ جمادی الاول ۱۲۹۶ ق، ۲ ش، ۲ .
- . ۱۲ رجب ۱۲۹۶ ق، ۶ ش، ۶ .
- . ۲۷ ذی قعدة ۱۲۹۶ ق، ۲۱ ش، ۲۱ .
- ج. کتاب**
- . احتشام السلطنه، محمود، (۱۳۶۶)، خاطرات احتشام السلطنه، به کوشش محمدمهدی موسوی، بی جا: زوار.
- . امانت، عباس، (۱۳۸۳)، قبله عالم، تهران: کارنامه.
- . بروگش، هینریش، (۱۳۶۸)، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه کردبچه، تهران: اطلاعات.
- . جابری انصاری، حسن خان، (۱۳۷۸)، تاریخ اصفهان، تصحیح جمشید مظاهری، اصفهان: مشعل.
- . رجائی، عبدالمهدی، (۱۳۸۶)، اصفهان از انقلاب مشروطه تا جنگ جهانی اول، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- . فوران، جان، (۱۳۹۲)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، چ ۱۴، تهران: رسا.
- . کریمی، بهزاد، (۱۳۹۲)، ناصرالدین شاه قاجار پنجاه سال سلطنت، تهران: کتاب پارسه.
- . مافی، حسین قلی خان نظام السلطنه، (۱۳۶۲)، خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، به کوشش معصومه مافی و منصوره اتحادیه، چ ۲، تهران: تاریخ ایران.
- . ویلز، چارلز. جیمز، (۱۳۶۳)، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه سیدعبدالله، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، تهران: طلوع.
- . هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۸۷)، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، چ ۱۳، تهران: امیرکبیر.